

بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر بزهکاری زنان در استان کهگیلویه و بویراحمد

عصمت رستگار*^۱، غلامحسن آروین اصل^۲

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

^۲ دانشجوی مقطع دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

چکیده

مسئله ی جرم و بزهکاری، که در پی مسائل و مشکلات اجتماعی نظیر فقر و بیکاری و بحران های اقتصادی و اجتماعی و دگرگونی در قوانین و الگوهای اجتماعی و خلاصه برهم خوردن تعادل در نظم اجتماعی پدید می آید منحصر به مردان نیست، بلکه زنان نیز از صدمات این مشکلات اجتماعی مصون نیستند و زندگی آنان، به سبب ابعاد نقش ها و مسئولیت هایشان که با توجه به ساختار طبقاتی آنان شکل می گیرد، دستخوش بحران و نابسامانی می شود. روش تحقیق در این مطالعه توصیفی تبیینی و با استفاده از ابزار پرسشنامه و مصاحبه حضور با زنان و دختران متهم و بزهکار مراجعه کننده به دادسرا و دادگاههای کیفری استان کهگیلویه و بویراحمد با هدف شناخت ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شرایطی است که مجموعاً زمینه کجروی و ارتکاب جرایم را در میان آنان مساعد می کند؛ به عبارت دیگر عواملی مانند شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خانوادگی، با ایجاد زمینه های مستعد، می توانند در گرایش زنان به ارتکاب جرم و بزهکاری در واکنش به شرایط اجتماعی، نقش مؤثری ایفا کنند.

واژه های کلیدی: خانواده، بزهکاری، زنان، عوامل بزهکاری، خشونت علیه زنان.

مقدمه

حدود نیمی از پیکره اجتماع را زنان تشکیل می دهند؛ در ربع قرن اخیر نیز حضور زنان در عرصه های علمی و آموزشی، مجامع دولتی، نهادهای مدنی و مشاغل آزاد (فروشنده‌گی، رانندگی و حتی معاملات اقتصادی و جز آن) باعث پررنگ تر شدن حضور زنان در اجتماع شده است. همچنین در کشور ما در عین بودن موانع ساختاری، وضعیت تحصیلات زنان و حضور در مشاغل تغییر یافته و زنان استقلال مالی و پایگاه اجتماعی یافته اند، به گونه ای که دیگر نیازی به تخصیص نفقه مرد ندارند؛ لذا این حضور و تحولات بالتبع موجب تغییراتی در میزان بزهکاری زنان می شود (ابرندآبادی، ۱۳۸۴). از آنجا که در هیچ جامعه ای نمی توان به طور مطلق جرم را از میان برد، پژوهش در زمینه علل ارتکاب جرم چه بسا راهگشایی برای جلوگیری از ازدیاد جرم برای جوامع باشد. اقدامات پیشگیرانه به منزله واکسیناسیون جامعه در مقابل جرم است و چه بسا به دو صورت پیشگیری قبل از تحقق جرم و پیشگیری از افزایش آثار مخرب جرم و پس از وقوع جرم، درباره مجرم و جامعه صورت پذیرد. به هر حال مطالعه علل و عوامل وقوع جرایم در جامعه همواره از مشغله های ذهنی _ علمی پژوهشگران آسیب شناسی اجتماعی بوده است. با کشف اولیه این عوامل، کوشش در طبقه بندی آنها دومین گام جامعه شناسان می باشد. در این میان پدیده ی مهم مطالعه در حوزه ی آسیب شناسی جنسیت مجرمان زن همیشه در پرده ای از راز و حریم عفت آلود نهفته است که خود باعث نوعی عدم شناخت و دامن زدن به پاره ای از کج اندیشی ها و تحلیل های غرض آلود بر ضد جنسیت زن از قدیم الایام بوده است. تابو بودن جنسیت و مسائل و البته به آن در جامعه شرقی ایران و سایر کتیوتیه نظر کردن به زن به عنوان نماینده ی سمبلیک این تابو، هرگونه مطالعه در این حوزه را سرکوب، منکوب، غیر لازم، انگ آلود، مغرضانه و به دور از حریم عفت جامعه می داند (گرت، ۱۳۸۲). هر چند این تابو گرایی میراث دار گذشته در حال نابودی است ولی برای ورود به حوزه ی مطالعات زنان پژوهش های بیشتری را لازم می داند. زنان را به عنوان عضوی همانند مردان در جامعه به علل خاصی با آسیبها و انحرافات روبرو بوده اند. بویژه زمانی که به هر دلیل سرپرستی خانواده را نیز عهده دار باشند (فرجاد، ۱۳۷۵).

پر واضح است از آنجا که زنان نیمی از جمعیت جامعه ی بشری را تشکیل می دهند و در ادامه ی حیات انسانی به اندازه ی مردان نقش دارند، بررسی مشکلات و معضلات جامعه ی زنان از اهمیتی به مراتب بیشتر از دشواری های زندگی مردانه برخوردار است زیرا مواجه شدن زنان با مشکلات فردی و اجتماعی به ویژه از جنبه ی اخلاقی و اجتماعی کل جامعه را با خطر روبرو می سازد (عین آبادی، ۱۳۹۱).

از جمله اهداف هر جامعه نیز، زندگی اجتماعی مبتنی بر نظم و امنیت است. در جامعه ای که هنجارهای اجتماعی شکسته شود، انسجام اجتماعی از بین می رود و هرج و مرج سبب اختلال درنظم اجتماعی، مخدوش کردن حس اعتماد و اطمینان عمومی و در مواردی فرو پاشی نظام اجتماعی می شود. توجه به اقدامات اصلاحی و تربیتی از طریق تقویت کنترل های درونی رفتار و جست وجوی رابطه علت و معلولی بین عوامل و شرایط بروز جرم و ارائه راه حل های مناسب برای مبارزه و ریشه کن ساختن عوامل جرم زاء، از اهداف دیرینه حکومت ها، سازمان ها و پلیس و جرم شناسان است، زیرا تا زمانی که عوامل پدید آورنده هر جرم شناخته نشود، مبارزه با آن جرم بی اثر و بیهوده خواهد بود و با بودن علت، معلول (= جرم) ضرورتاً حاصل خواهد شد (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۳). جرم محصول و معلول علل و عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است، لذا کشف پدیده های نهان جرم زای فردی که گاهی برخی تعصبات، کتمان های بی جهت، ندانم کاری ها، اشتباهات و روش های نادرست مانع شناخت آن می شود، چه بسا به مبارزه با جرم بینجامد، زیرا غیرممکن است از جرمی صحبت شود، بدون اینکه از فاعل آن جرم و عوامل سبب ساز ارتکاب جرم، به یاد آورده نشود (شیخاوندی، ۱۳۷۹).

از گذشته های دور تا چند دهه پیش، جرایم، افعالی مردانه به حساب می آمدند و عده زنان مجرم در جوامع بسیار اندک و پیش بینی نشده بود، ولی امروزه جرایم زنان موضوعی درخور تأمل است و از آنجا که زنان مادران آینده هستند و مجرم بودن آنان تأثیر بسزا در تربیت صحیح نسل آینده ساز جامعه دارد و چون زنان همیشه کانون مهر و محبت و استحکام خانواده بوده اند، بزهکاری آنان ضربه سنگینی به جامعه می زند و موجب نگرانی فرهنگی و تربیتی نسل آینده می شود. متأسفانه در زمان حاضر شمار چشم گیری از زندانیان، زنان و دخترانی هستند که به علت ارتکاب جرایم گوناگون، از کانون خانواده جدا شده و

در زندان به سر می‌برند، گرچه بزهکاری این زنان و دختران ممکن است علل متفاوت و متعددی داشته باشد، ولی این تحقیق به بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل فردی و خانوادگی مؤثر در جرم زنان، پرداخته است (ستوده، ۱۳۷۶). طبق نتایج تحقیقات بزهکاری دختران ریشه در شرایط نامناسب خانوادگی آنها دارد. وجود محیط ناسالم و ناامن در محل زندگی به عنوان عامل اصلی در ارتکاب آنها به جرایم تاثیر دارد. از آنجا که محیط خانواده باعث پرورش استعدادهای فرزندان می‌شود. محیط ناامن خانوادگی نیز متقابلاً در تمایل فرزندان به خصوص دختران به سوی کارهای خلاف تاثیر بسزایی دارد. به طور مثال مادری که خود مشکل اخلاقی رابطه نامشروع دارد دخترش نیز در معرض این مشکل قرار دارد همچنین اعتیاد والدین نیز در گرایش فرزندان به سوی مواد مخدرمورثر می‌باشد.

از طرفی همان طور که در بالا ذکر شد مسایل روانی مهمترین عامل داشتن رابطه نامشروع افراد بیان شده است و این به آن دلیل است که دختران از لحاظ عاطفی به خانواده های خود وابستگی زیادی دارند و در صورت مواجهه با بی مهری و بی توجهی از سوی آنها گرایش به سمت جنس مخالف و داشتن رابطه با آنها تاثیر می‌گذارد (مظلوم، ۱۳۹۰). همچنین اکثر فرارها به خاطر ازدواج با فردی بوده که خانواده با آن مخالف بودند. عامل مهم دیگر میانگین سنی پایین در دختران است که با گرفتن تصمیمات غیر عقلانی خود را در دام اشتباهات بزرگ می‌اندازند. از آنجا که سنین نوجوانی دوران بلند پروازی و افسار گسیختگی آنان است دختران به دنبال داشتن آزادی های بیشتر هستند و به سمت پارتی ها و جمع های ناسالم که از جانب خانواده منع می‌شوند، گرایش دارند و به علت فرار از این محدودیت ها و قید و بندها به سمت بزهکاری سوق پیدا می‌کنند (مجلات زرد، ۱۳۸۵).

اهداف و کاربردهای تحقیق

هدف کلی در این پژوهش شناخت شرایط و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی زنان بزهکار در سطح استان با تأکید بر سه شاخص کلی خانواده، محیط اجتماعی و اوضاع اقتصادی با مطالعه متهمین زن در دادسراها و محاکم استان کهگیلویه و بویراحمد است. هدف های جزئی شناسایی چگونگی تأثیر عوامل زیر در ارتکاب جرم است:

روابط نامناسب خانوادگی، ارتباط با افراد خلاف کار در محل سکونت و به طور کلی محیط اجتماعی، مشکلات اقتصادی و مالی و فقدان امکانات مناسب برای گذران اوقات فراغت.

پرسش های تحقیق

برای دستیابی به پاسخ پرسش اصلی؛ پرسشهای فرعی زیر مطرح هستند:

۱. ویژگیهای خانوادگی مراجعان مجرم و در معرض جرم چگونه است؟
۲. ویژگیهای شخصیتی و فردی مراجعان مجرم و در معرض جرم چگونه است؟
۳. ویژگیهای فرهنگی مراجعان مجرم و در معرض جرم چگونه است؟
۴. ویژگیهای اقتصادی مراجعان مجرم و در معرض جرم چگونه است؟

بزهکاری و خانواده

در بحث بزهکاری زنان عواملی همچون علل خانوادگی موثر هستند. برای اینکه بیشتر به با این عوامل آشنا شویم ابتدا تعریفی از هر کدام خواهیم داشت. ابتدا تعریف علل خانوادگی سپس تعریف بزهکاری زنان و در آخر تعریف خانواده.

پیشینه بزهکاری زنان

با توجه به خصائص بزهکاری زنان و فرهنگ سنتی جوامع و با توجه به نحوه نگرش جوامع نسبت به زنان، ضرورت مطالعه زن در جرمشناسی خیلی دیر احساس شده است و در ادبیات جرمشناسی حجم کمی از تحقیقات به زنان معطوف شده است.

اولین کتابی که به مباحث جرم‌شناسی پرداخته است دارای عنوان و مضمون مردانه است. دکتر لومبروزو کتاب «انسان بزهکار» را در سال ۱۸۷۶ به چاپ رساند و این در حالی بود که اشناتیون تحقیقات و مطالعات او را مردان تشکیل می‌دادند. بیست سال بعد اولین مطالعه علمی در مورد بزهکاری زنان توسط لومبروزو و فررو تحت عنوان «زن بزهکار و زن روسپی» به چاپ رسید (۱۸۹۶).

مروری بر تحقیقات انجام شده

محمد نبی، مریم در پایان نامه کارشناسی ارشد خود در سال ۱۳۷۸ با موضوع عوامل اجتماعی مؤثر بر انحرافات زنان، با ابزار پرسشنامه و روش پیمایشی در بین زنان زندانی شهر تهران، دریافت که خانواده در پذیرش اهداف اجتماعی نقشی مهم دارد. - زمانی، فریبا طی تحقیق خود با عنوان مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر وضعیت خانوادگی در بزهکاری زنان در تهران در سال ۱۳۹۱ به این نتیجه دست یافت که؛ که بین وضعیت خانوادگی زنان و بزهکاری آنان ارتباط مستقیم و معناداری برقرار است. - جمشیدی، ستاره در بررسی عوامل مؤثر بر انحراف زنان و دختران آسیب دیده و در معرض آسیب مراکز بازپروری بهزیستی استان تهران، در تحقیقی برای دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال ۱۳۷۸ به این نتیجه رسیده است که در بین مجردان و مطلقه‌ها، احتمال انحراف، بیشتر از متأهلان است و افرادی که والدین آنها در سطح تحصیلی پایین و کم درآمد قرار داشته یا فاقد یکی از والدین و سرپرست مناسب بوده‌اند و پس از جدایی یا فوت والدین، در محیط‌های خانوادگی متشنج یا دارای تبعیض بین دختر و پسر زندگی می‌کردند، بیشتر به انحراف کشیده شده‌اند. همچنین احتمال انحراف افرادی که خانواده آنان پای بندی مسائل اعتقادی نبوده و یکی از اعضای خانواده آنان خلافکار بوده‌اند یا در محله‌های دارای افراد منحرف زندگی کرده‌اند، بیشتر است.

- تحقیق اژدری مجد، علی در سال ۱۳۸۸ در بررسی علل بزهکاری زنان و مردان نشان می‌دهد که آنها در ارتکاب جرم بیشتر تحت تاثیر ویژگیهای زیستی خود هستند و سعی می‌کنند مسیر مجرمانه خود را بر اساس تواناییهای جسمانی تعیین کنند.

علل خانوادگی بزهکاری

منظور از علل خانوادگی در این تحقیق مجموعه عواملی است که زمینه ساز بزهکاری زنان در جامعه می‌باشد از جمله فقر اقتصادی، سواد پایین فاختلاف والدین یا خانواده گسسته و ... خانواده اصلی ترین نقش را در تربیت فرزندان دارد. یک خانواده سالم خانواده ای است که همه امور و فعالیت های آن منطبق با موازین و معیارهای حاکم بر جامعه باشد. یافته های تحقیقات حاکی از آنند که ۴۴ درصد بزهکاران جامعه ما در خانواده های بی بند و بار زندگی می کرده اند. بی توجهی والدین به تربیت فرزندان عواقب وخیمی در آینده فرزندان به دنبال خواهد داشت. نوع شغل پدر و مادر، وضعیت مسکن، کثرت یا قلت اولاد، همسایگان، ساکنان دیگر منزل، ویژگی های اخلاقی پدر و مادر، نحوه رفتار با کودکان، طلاق، وجود ناپدری و نامادری، تعدد ازدواج، فرهنگ خاص حاکم بر خانواده، میزان تحصیلات والدین، پدرسالاری یا مادرسالاری، وضع اقتصادی خانواده، از هم پاشیدگی و سردی خانواده، جدایی والدین و عدم پیوستگی اعضای خانواده و سست بودن ارکان خانواده از عوامل مهمی می باشند که زمینه انحراف و کجروی را در فرد ایجاد می نمایند. تحقیقات نشان می دهند که زنان بزهکار بیش از زنان دیگر به خانواده های از هم پاشیده و بی ثبات تعلق دارند.

امروزه نهاد خانواده در غرب از جایگاه اصلی خود دور شده است. به هم خوردن نظم خانوادگی، سست شدن پایه این نهاد اساسی، شانه خالی کردن جوانان از قبول مسئولیت ازدواج، منفور شدن مادری، کاهش علاقه پدر و مادر و به ویژه مادر به فرزندان، جانشین شدن هوس های سطحی به جای عشق و افزایش طلاق، سبب گردیده اند که در این جوامع، نهاد خانواده کارکرد خود را در مورد کنترل آسیب های اجتماعی از دست بدهد.

اما در جامعه ما که یک جامعه اسلامی است و تعالیم اسلامی ارزش های خانوادگی را به بهترین وجه بیان کرده و مورد تأکید قرار داده است، نباید شاهد سست شدن پایه های خانواده باشیم. به طوری که بیش از چهار هزار دستورالعمل به صورت مستقیم درباره خانواده و ارزش های حاکم بر آن از طرف معصومان بیان شده است.

در نتیجه پژوهشی که از ۸۰۰ کودک بزهکار به عمل آمده، معلوم شد که ۶۵ درصد مادرانشان طلاق گرفته یا در حال جدایی بوده‌اند. بررسی دیگر نشان می‌دهد که ۸۸ درصد کودکان مجرم دارای پدر و مادری بوده‌اند که از هم جدا زندگی کرده و بین آن‌ها اختلاف نظر و ستیزه وجود داشته است (ستوده، ۱۳۸۰).

در ذیل به برخی عوامل زمینه ساز بزهکاری زنان در خانواده اشاره می‌گردد:

بسیاری از صاحب نظران در مسئله بزهکاری، کمبود محبت و ضعف عاطفی را ریشه اصلی جرم و انحراف دانسته‌اند. تحقیقی از غرب درباره بزهکاران نشان داده است که ۹۱ درصد مجرمان در ارتباط با جرم به نحوی دچار مشکل عاطفی بوده‌اند. فرد در خانواده زمانی که نیازهای عاطفی اش برآورده نشود، مجبور می‌شود دست نیاز به سوی دیگران دراز نماید. در این زمان است که شکارچیان از این موقعیت‌ها سوء استفاده می‌کنند و با ارتباط عاطفی دروغین افراد را به سوی انحراف می‌کشانند. زیاده روی در محبت نیز خود مانند کمبود محبت اثر منفی بر تربیت فرزندان دارد، به نحوی که فرزند همیشه متکی به پدر و مادر می‌باشد و هیچ‌گاه احساس استقلال و بزرگمنشی نخواهد کرد. زمانی که چنین فردی وارد جامعه شود و در این موقعیت از محبت‌های پدر و مادر به دور باشد، احساس کینه و عقده جویی می‌نماید و برای جبران این مسئله دست به هر خلافی خواهد زد.

مختصات و درآمدی بر رویکرد های مختلف به بزهکاری زنان

ویژگی بزهکاری زنان

بزهکاری زنان دارای چهار ویژگی است که عبارتند از:

۱- کم بودن حضور زنان در فعالیتهای مجرمانه؛ بنابر آمار جنایی فرانسه تنها یک هشتم یا یک دهم مجموع جرائم مربوط به زنان می‌شود. در بیان علت این امر توضیحات زیست‌شناختی، روانشناختی و جامعه‌شناختی مطرح شده است؛ اما عده‌ایی از جرم‌شناسان در کنار علل مذکور، یک دلیل جرم‌شناختی را مطرح کرده‌اند و آن، رقم سیاه بزهکاری زنان است. به این صورت که زنان یا مرتکب جرائم آپارتمانی و غیرعلنی می‌شوند و یا اگر هم مرتکب جرائم خیابانی و علنی بشوند براساس پیشداوری‌های مراجع قضایی و پلیس نسبت به زن بزهکار، پرونده آنها مورد اغماض قرار می‌گیرد اینجا باید از تبعیض مثبت که به نفع زنان تمام می‌شود سخن بگوئیم.

۲- ویژگی دوم بزهکاری زنان در ماهیت جرائم ارتكابی آنهاست؛ زنان در برخی جرائم حضور بیشتری دارند. اولین دسته از جرائم مذکور، جرائمی هستند که بزه‌دیده آنها طفل یا نوزاد است و توانایی دفاع از خود را ندارد مثل بچه‌کشی، این جرم جرمی زنانه است. جرم کودک‌آزاری، نیز از جمله همین جرائم است. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب آذر ماه ۸۱) در ۹ ماده در مقام حمایت از اطفال در برابر آزار (به ویژه از طرف والدین) تصویب شده است.

دسته دوم جرائم جنسی هستند. در این دسته از جرائم یک جرم باید در رأس قرار گیرد و آن هم روسپیگری است. جرم دیگری جنسی جرم بچه‌بازی است که امروزه زنان هم مرتکب آن می‌شوند علاوه براین، تجاوز به عنف که در رویکرد سنتی علیه زنان است امروزه توسط زنان و علیه مردان و نوجوانان هم انجام می‌گیرد.

دسته سوم جرائم مالی هستند یا جرائم علیه اموال که زنان بیشتر در جرائم احراق، کلاهبرداری، خرید و فروش و اختفای اموال مسروقه و سرقت از فروشگاهها حضور دارند. در مورد جرم اخیر (سرقت از فروشگاهها) باید گفت چون زنان به لحاظ شغل خانه‌داری بیشتر در فروشگاهها حاضرند این جرم را بیشتر مرتکب می‌شوند.

در زمینه جرائم علیه اشخاص باید گفت که زنان بیشتر در جرم مسموم کردن حضور دارند.

۳- ویژگی سوم بزهکاری زنان، نحوه حضور و شرکت زنان در بزهکاری است طبعاً زنان به لحاظ مسائل فیزیکی در جرائم خاصی حضور دارند یعنی جرائمی که نیروی فیزیکی چندانی نیاز ندارد. در برخی جرائم زنان نقش وسیله ارتکاب جرم را بازی می‌کنند. مثلاً در قاچاق موادمخدر و کالا از زنان به عنوان رابط و برابر استفاده می‌شود و این امر به سه علت است: ۱- ذهیت ترحم‌آمیز مردان که نوعاً متولیان نهادهای پلیسی هستند و زن را موجودی ضعیف تلقی می‌کنند. ۲- ویژگی‌هایی که در بدن

زن وجود دارد که این ویژگیها به زن امکان مخفی کاری را می دهد. ۳- بعضاً دیده شده که زنان از پوشش خودشان برای حمل مواد استفاده می کنند گرچه امروزه باوجود مأمورین و پلیس زنان این امر مشکل تر شده است. در کشور ما علاوه بر مسأله حجاب گفته می شود که زنان دارای جنبه تحریک کنندگی هستند و مباشر جرم را تحریک می کنند، یا آنکه از فریب و نیرنگ خود نیز استفاده می کنند. ۴- ویژگی چهارم پائین بودن نرخ تکرار جرم در زنان است. زنانی که محکوم به حبس می شوند بعد از آزادی کمتر دوباره مرتکب جرم سابق می شوند. پس مجازات در روان زن دارای جنبه ارعابی قوی تری می باشد و می توان گفت که زنان به طور کلی مجرمین اتفاقی هستند نه به عادت.

رویکردهای کلاسیک

رویکردهای کلاسیک به بزهکاری زنان که از زاویه علت شناسی و با یک نگرش بالینی به بررسی موضوع پرداخته اند. توضیحات زیست شناختی و روانشناختی و جامعه شناختی راجع به بزهکاری زنان در این گروه قابل توجه می باشد.

رویکرد زیست شناختی

رویکرد زیست شناختی پرداختن به بزهکاری در بستر زیست شناسی و پزشکی (نگاه پزشک به بیمار) است. بیمار کسی است که دارای تفاوت های بیولوژیکی، اندامی و غیره است. لذا زنان از زاویه فیزیولوژیکی خاص خود در مطالعات بررسی شده اند لومبروزو اشاره می کند که طبیعت و فیزیولوژی زنان باعث شده که از زن به عنوان عنصر مرموز و خطرناک نامبرده شود. خصوصیات زن نیز به همین فیزیولوژی زنانه مربوط می شود. وی معتقد است زنان پنج بار در طول زندگی خود وقایعی را تجربه می کنند و این وقایع بر خلق و خوی آنها اثر می گذارند:

۱- بلوغ ۲- عادت ماهیانه ۳- یائسگی ۴- حاملگی ۵- زایمان

زایمان اوج فیزیولوژی زن است که بزهکاری زن باید در پرتو این وقایع فیزیولوژی بررسی شود چرا که زنان در این ادوار از زندگی ضعیف، پرخاشگر و منفعل است و زودتر مرتکب جرم می شوند و رویت پذیری شان نسبت به دوره های دیگر بیشتر است.

رویکرد جامعه شناختی

تبیین های جامعه شناختی با رویکرد وفاق اجتماعی و تضاد بر نقش اساسی محیط اجتماعی در شکل گیری انحرافات اجتماعی تاکید کرده اند. نظریه های موجود در این زمینه، عبارتند از نظریه های بی سازمانی اجتماعی، نظریه های تضاد و نظریه های خرده فرهنگی.

۱- مرتن: نظریه ساخت اجتماعی و آنومی

دیدگاه مرتن به دنبال کشف این امر است که چگونه برخی از ساخت های اجتماعی بر افراد خاصی از جامعه تاثیر گذاشته و موجب شده آنان مرتکب رفتار ناهمنا با هنجارهای اجتماعی شوند. به نظر او ساخت های اجتماعی فعال بوده و تولید کننده الگوهای رفتاری می باشند؛ بنابراین، او بر نظم اجتماعی تمرکز نموده و تاثیر ساخت های هنجاری را بر افراد مورد تفحص و تبیین قرار می دهد.

۲- پارسونز: کنش اجتماعی و آنومی

پارسونز معتقد است کارکرد های مناسب هر یک از خرده نظام های فرهنگ، اجتماع، شخصیت و اقتصاد و ارتباط و کنش متقابل بین آنها عامل کنترل کننده هر جامعه و همچنین عامل بقا و پایداری نظام اجتماعی است. در مقابل، عدم تعادل و بی سازمانی در هر یک از خرده نظام ها حیات جامعه را تهدید کرده زمینه را برای رفتار انحرافی فراهم می سازد. از دید پارسونز، نهادها و سازمان های اجتماعی عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه پذیری الگوهای رفتاری و درونی ساختن آنها در افراد هستند. در صورتی

که نهادها و سازمانهای کارگزار جامعه پذیری نظیر خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارایی لازم را نداشته باشند جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی گردیده و پیامد آن شیوع رفتار انحرافی در جامعه است.

رویکرد روانشناختی

لومبروزو و فررو حضور کم و نامحسوس زن در بزهکاری را در ویژگی‌های شخصیتی - روانی زن بررسی کرده‌اند. از جمله:

الف) هوش و استعداد کمتر نسبت به مردان

ب) فقدان خلاقیت و نوآوری به دلیل کمی IQ و کمی کارکرد مغز

پ) بالا بودن درجه اخلاقی آنها نسبت به مردان؛ رعایت اخلاق در زنان ذاتی است و زنان بیشتر اخلاقی هستند و این ترمزی در برابر جرم است.

ت) خصوصیات محافظه‌کاری و ریسک‌ناپذیری

ث) منفعل بودن

ج) فرمانپذیر و مطیع و اطاعت‌پذیر بودن (زنان بیشتر واکنشی هستند و در امور کنشی حضور ندارند) در این چارچوب آقای گینبز در سال ۱۹۸۶ در کتاب «عوامل فرهنگی بزهکاران» در ادامه نظریات سمبروزو دو دسته‌گریزه را مطرح می‌کند؛

۱ - گرایش قدرت با خصوصیات تندخویی، اعتیاد به نفس، کنجکاوی، شادی، قدرت جنسی و ...

۲ - گرایش ضعف با خصوصیات ترس، منفعل بودن، غم و اندوه، لطافت و فرمانپذیری و آسیب‌پذیر بودن.

زنان دارای گرایش ضعف (بی‌توانی) می‌باشند پس کمتر بزهکارند و بیشتر بزه‌دیده‌اند.

بررسی‌های نوین این رویکرد در پژوهش‌های کاسپی و مافیت نشان می‌دهد خشم، اضطراب، بی‌ثباتی شخصیتی، عواطف منفی از عوامل مرتبط و مستعدکننده رفتار بزهکارانه است و افرادی با خصوصیات ذکر شده در مقایسه با افراد معمولی بیشتر در خطر بروز رفتار انحرافی هستند. ارزیابی این رویکرد، بیانگر آن است که افراد دارای شخصیت‌های درونی هستند که با جرم و رفتار بزهکارانه در ارتباط؛ اما از طرفی دیگر نگاهی به ماهیت پژوهش‌های روان‌شناختی که عمدتاً از طریق روان‌سنجی و روانشناختی انجام یافته باعث شده است که جرم‌شناسان با تمام علاقه‌ای که به دیدگاه‌های روانشناختی بزه دارند این پژوهش‌ها را بی‌معنا بدانند. به طور خلاصه می‌توان اظهار داشت که رویکرد روانشناختی، هنوز نتوانسته است به روشنی تاثیر شخصیت را در بزهکاری نشان دهد. شاید پیشنهاد موجه‌تر، بررسی تحلیل موقعیت وقوع رفتار و شخصیت متفقاً رهگشا باشد (صبوری به نقل از گیدنز، ۱۳۷۷).

نظریه برچسب‌زنی کجروی

در این نظریه به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های افراد یا گروه‌ها در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه به عنوان یک فرآیند کنش متقابل میان کجروان و ناکجروان تبیین می‌شود. بر این اساس قدرتمندان، ثروتمندان، بزرگ‌ترها و اکثریت قوی جامعه، برای ضعیف‌ترها، فقیران، کوچک‌ترها و اقلیت جامعه قانون وضع می‌کنند که تخلف از آن قانون مساوی با از بین رفتن و تضاد با منافع آن گروه‌ها است. پس آنها برچسب کجرو را بر فرد متخلف از قانون، یعنی آنچه را که آنها برای منافع خود تعیین کرده‌اند، می‌زنند. در این فرض هیچ عملی زشت و ناپسند نیست، بلکه عملی که برخلاف قانون تنظیم شده از سوی قدرتمندان، توسط افراد انجام گیرد، عمل کجروانه تلقی می‌شود.

در باب کجروی و انحرافات اجتماعی نظریه‌های دیگری نیز مطرح است که به جهت اختصار به ذکر آنها پرداخته نمی‌شود، اما به طور کلی در این نظریه‌ها به پیوستگی بین رفتار کجروانه و رفتار آبرومندان تأکید می‌شود و همچنین وجود یک عنصر زمینه‌ساز قوی، مانند فقر را در شکل‌گیری رفتار کجروانه در نظر می‌گیرند که از طریق یادگیری اجتماعی و موقعیت‌های اجتماعی افراد آموخته می‌شود.

رابطه بین فقر و انحرافات اجتماعی

پژوهش در خصوص ارتباط بین شرایط اقتصادی و کجروی، سابقه بسیار طولانی دارد. این مطالعات شمار گسترده‌ای از پژوهش‌های تجربی را به وجود آورده که ارتباط بین دو پدیده را بررسی می‌کنند. ابتدا در این پژوهش‌ها، محققان در پی کشف رابطه بین دگرگونی‌های شرایط اقتصادی و نرخ جرم و جنایت برآمدند. آنها نرخ جرم در دوران بحران اقتصادی را با نرخ جرم در دوران رونق اقتصادی جوامع گوناگون یا نواحی فقیر و غنی در یک منطقه را با هم مقایسه نمودند تا ببینند آیا تفاوت معنی‌داری در نرخ جرائم وجود دارد یا خیر. در مرحله بعدی، پژوهش‌ها صورت عینی‌تر به خود گرفت و همبسته بودن یا نبودن نرخ جرم و نابرابری‌های اقتصادی و نیز جرم با بیکاری به عنوان عامل ناتوانی اقتصادی، مورد بررسی قرار گرفت.

فقر و جرائم زنان

در بررسی میزان تأثیر فقر و مشکلات اقتصادی در جرائم زنان، لازم است در ابتدا چند نکته مورد توجه قرار گیرد.

۱- تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد، سبب تفاوت در عرصه‌های مختلف شده است یکی از این عرصه‌های متفاوت در نوع و میزان ارتکاب کجروی است. شرایط جسمانی، روحی، عاطفی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان سبب شده تا نرخ جرائمی از قبیل اعمال منافی عفت، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر در زنان بالا باشد و در برخی از آنها مانند اعمال منافی با عفت ۱/۳ کل جرائم زنان را شامل گردد. در این زمینه آمارها نشان می‌دهد که اعمال منافی با عفت از ۴۹۵۴۲ مورد در سال ۱۳۶۵ به ۵۹۳۷۴ مورد در سال ۱۳۷۰ افزایش یافته است (مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان؛ اولویت‌ها و رویکردها، ج ۲، صص ۸۹۳-۸۹۲).

۲- معمولاً زنان از نظر اقتصادی وابسته به مردان می‌باشند؛ بنابراین در معرض آسیب بیشتری قرار دارند. به ویژه در صورتی که در اثر حادثه‌ای مثل طلاق، ترک همسر و... به منبع مالی دسترسی نداشته باشند، قادر به مقابله با شرایط تازه نیستند و در معرض انحرافات و کجروی قرار می‌گیرند.

با توجه به این نکات، تحقیقات نشان می‌دهد که جرائمی همچون اعمال منافی عفت، اعتیاد و سرقت در زنان، از مشکلات اقتصادی و فقر ناشی می‌شود و آنها با هدف کسب درآمد، تحصیل پول و تأمین نیازها دست به چنین رفتارهایی می‌زنند، اما در جرائم دیگر مثل سقط جنین، قتل و... نقش فقر و مشکلات اقتصادی کمتر مشاهده می‌شود. البته همان‌طور که در قبل گفته شد، مجموعه‌ای از علل در بروز پدیده کجروی‌ها نقش دارند که این امر شامل زنان نیز می‌شود. به ویژه در گرایش به مواد مخدر و سرقت مشاهده می‌شود، بین نیازهای مالی، فقر و ارتکاب این نوع جرائم همبستگی بالایی وجود دارد (همان، صص ۹۲۷-۹۱۸). به عنوان نمونه می‌توان به پژوهش «محمدعلی پولادی» و «گلرخ شلویری» اشاره کرد. آنها با نمونه‌برداری از ۷۸ زن زندانی در زندان سپیدار اهواز، به این نتیجه رسیدند که بین مشکلات اقتصادی - اجتماعی و نوع جرم رابطه وجود دارد. براساس نتایج تحقیق، تأثیر مشکلات اقتصادی - اجتماعی در نوع جرم افراد، به ترتیب نزولی شامل جرم حمل، خرید و فروش (قاچاق) مواد مخدر، روابط نامشروع و قتل می‌باشد (روزنامه ایران، ۶ آذر ۱۳۸۲). براین اساس، به لحاظ اهمیت جایگاه زن در اجتماع که همان نقش سازندگی و تربیت سایر افراد جامعه است، لازم است از ابزارهای مناسب و مفید برای رفع فقر و به دنبال آن کاهش نرخ جرائم در زنان استفاده نمود. این راهکارها عبارتند از حمایت‌های مالی، کاهش فشارهای اقتصادی، گسترش برنامه‌های آموزشی، هنری و حرفه‌ای، بالا بردن سطح آگاهی‌ها، افزایش اطلاعات در مسائل آسیب‌شناختی، تشویق به ازدواج، فعالیت و کار و... که همه این‌ها می‌توانند به عنوان اقدام‌های پیشگیرانه در بزهکاری زنان راهگشا باشند.

بررسی برخی جرایم عمد

اعتیاد

ارائه تعریف جامعه و مانعی از اعتیاد به ویژه در زمینه مواد افیونی و تریاک مشکل است. امروزه اعتیاد از نظر سازمان بهداشت جهانی، اصطلاح مقبولی نیست و به جای آن اصطلاح وابستگی دارویی توصیه شده است. با وجود این واژه اعتیاد هنوز هم در منابع طبی و بین مردم رایج است و برای توصیف موارد زیر به کار برده می‌شود:

- ۱ - وابستگی روانی به ماده‌ای که رفتار داروجویانه (Drag seeking) را موجب می‌شود.
 - ۲ - ناتوانی قطع مصرف دارو به علت وابستگی جسمی به آن و پیدایش تحمل نسبت به آثار آن.
 - ۳ - پس رفت سلامت جسمی و روانی و در نتیجه افراط در مصرف.
- الکلیسم را نیز می‌توان نوعی بیماری تعریف کرد که با مصرف مزمن و مفرط الکل، مسائل روانی را به وجود می‌آورد.

فحشا

فحشا برای اولین بار در کلدی به منظور میهمان‌اندازی رواج یافته است. شکل تازه‌ای از چنین شرایط تا گذشته نه چندان دور، در مردمان قطبی هم مرسوم بوده است. این سنت با انگیزه‌های انتفاعی برای خانواده یا عشیره قابل بررسی سبب‌شناختی است. خدمات اجتماعی ملاحان و مسافران از عوامل شیوع فحشا و به منظور میهمان‌نوازی بوده است. به دنبال فحشای میهمان‌نوازی و فحشای مذهبی که در هند بیشتر از بابل مرسوم بود و بیشتر به وسیله کشیش‌ها و به نفع آنان صورت می‌گرفت. فحشای قانونی نیز مقرر شد. پادشاهان مستبد آسیایی با مقاصد شخصی و پیشرفت کار در مؤسسات دولتی از فحشا استفاده می‌کردند. مطالعات تاریخی نشان داده است که فحشا در آن زمان به شکل خاص با اجازه زنان جوان رایج بوده است. بنابراین می‌توان گفت زن از ابتدا خودفروشی نکرده است بلکه او را فروخته‌اند و تاریخ فحشا با تاریخ دلالی آن آمیخته است.

حضور دلالی در مسیر فحشا به معنی نقش مؤثر عامل فقر در گسترش فحشا و زیاده‌طلبی، واسطه‌گران و دلالان می‌باشد. این وضعیت با اندکی تفاوت در شرایط کنونی نیز قابل بررسی است. شکل ادواری وضع قوانین تشدید مجازات و توجه ناگهانی به چنین جرائمی پس از دوره‌ای از نهفتگی، در پژوهش‌ها و اقدامات مقابله‌ای نجومی قابل مشاهده است. این شکل از تعارض در هر جامعه به شکل خاص خود مشاهده می‌شود. در برخی جوامع قانون تحریم فحشا، مجازات سختی را برای آن در نظر می‌گیرد. در مقابل در جوامعی دیگر قوانین انتظامی سعی می‌کنند با لحاظ موادی در قانون، اصول و مقررات ویژه‌ای را برای فحشا در نظر بگیرند و آن را نظام‌دار نمایند. اگر چه این اقدامات مقابله‌ای تأثیر فراوانی در کاهش فحشا داشت اما شخصیت تعریف شده برای بردگان در کنار فقر و دست‌مزدهای اندک آنان در مقایسه با مردان از عوامل حفظ نوع تضعیف شده‌ای از فحشا بود.

راه‌های آلودگی زنان به جرائم جنسی

- ۱ - معاشرت با زنان منحرف (آگاهانه یا ناخودآگاه).
- ۲ - وارد شدن دختران به انحراف از سوی والدین (به ویژه مادر منحرف).
- ۳ - آشنایی با برخی رانندگان سواری.
- ۴ - انتخاب مشاغل خاص.
- ۵ - آلودگی از طریق همسر.

سرقت

اقسام سرقت در زنان:

- ۱ - جیب‌بری: اینگونه زنان معمولاً لباس‌های فاخر می‌پوشند، خود را آرایش می‌کنند و در محل‌های خرید و مغازه‌ها، سوپرمارکت‌ها، پاساژها و بازارها با مهارت کیف زن‌های دیگر را باز می‌کنند و محتویات آن را می‌ربایند. از جمله محل‌های دیگر مناسب برای سرقت زنان، داخل آسانسورها و وسایل نقلیه عمومی می‌باشد.
- ۲ - سرقت از منازل: زنان معمولاً در سرقت از منازل نقش شریک جرم را داشته و همکار سارق اصلی هستند. بیشتر سرقت‌های مستقل از سوی زنان مستخدم منازل صورت می‌گیرد که اشیای سبک و قیمتی و جواهر و پول را می‌دزدند.

- ۳ - سرقت از مغازه‌ها: از جمله سرقت‌های شایع در زنان سارق، سرقت از مغازه‌ها می‌باشند. این نوع سرقت در شهرهای پرجمعیت هم توسط حرفه‌ای‌ها و هم توسط سارقین عادی صورت می‌گیرد.
- این سارقان معمولاً فروشنده‌ها را فریب می‌دهند سپس سرقت می‌کنند که عموماً به دو شکل زیر دیده می‌شود:
- الف) زدن دخل (صندوق پول) که با اغفال فروشنده و دور کردن او از صندوق انجام می‌گیرد. این زنان به صورت گروه‌های سه نفری یا بیشتر عمل می‌کنند.
- اینان با هم وارد مغازه می‌شوند، یکی یا دو نفر مغازه‌دار را مشغول می‌نمایند و دیگری سرقت را انجام می‌دهند.
- ب) شکل دیگر سرقت به صورت انفرادی است که بیشتر اشیاء و لباس‌ها را پوشیده و به نحوی از مغازه خارج می‌شوند.
- ۴ - سرقت اتومبیل: در این نوع سرقت زنان و دختران معمولاً معاون بوده و با روش‌های مختلف مثل سوار شدن در اتومبیل‌ها سعی در اغفال راننده دارند.
- ۵ - سرقت مسلحانه: در این نوع سرقت‌ها نیز زنان معاون بوده و به سارق اصلی کمک می‌کنند.
- ۶ - از اقسام دیگر سرقت: حمله به بانک‌ها و مغازه‌ها، حمله به عابریں در خیابان‌ها، حمله به روستاییان و غارت اموال آنها می‌باشد که حضور زنان در این نوع سرقت‌ها بسیار کم است.

فضای مجازی؛ پدیده‌ای نوظهور

وسائل ارتباط جمعی به ابزاری گفته می‌شود که در یک جامعه از آن برای ابلاغ پیام‌ها و بیان افکار و انتقال مفاهیم به دیگران استفاده می‌شود. بررسی اثرات این وسائل یکی از پیچیده‌ترین مباحث در آسیب‌شناسی اجتماعی است. به همین دلیل، بسیاری از جامعه‌شناسان در درستی نتایج پژوهش‌هایی از این دست تردید نشان می‌دهند. امروزه گسترش و توسعه وسائل ارتباط جمعی به حدی است که دوران حاضر را عصر ارتباطات نامیده‌اند. مک لوهان دنیا را با مفهوم دهکده‌ای جهانی می‌شناسد ولی گوید وسائل ارتباط جمعی دارای چنان قدرتی هستند که می‌توانند نسلی تازه در تاریخ انسان پدید آورند، نسلی که با نسل‌های پیشین بسیار متفاوت است. از اثرات منفی وسائل ارتباط جمعی معتاد شدن به معنی عام کلمه است. در بسیاری از موارد انسان‌ها چنان به رسانه‌ها معتاد می‌شوند و بدان اعتماد می‌ورزند که در ساعت معین بدان نیاز می‌یابند. تأخیر یا فقدان، موجبات از بین رفتن تعادل آنان را فراهم می‌سازد و زمانی که بدان می‌رسند (مثلاً دستیابی) به روزنامه مورد علاقه، قدرت اندیشه از آن سلب می‌شود. آنان بدون هیچ تردید یا اندیشه‌ای نو، یا آموزه‌آنها می‌پذیرند. بی‌شبهه، این فرایند که با خصلت ویژه انسان اندیشمند متباین است، موجب می‌شود که ذهن دچار کرختی می‌شود و فرد در جریان حوادث همچون پر کاهی بر روی، سیلاب خروشان، ناخواست و بی‌اراده به این سو و آن سو کشیده گردد. دو موضوع در ارتباط با وسائل ارتباط جمعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است: الف- امور جنسی: در مورد مسائل ارتباط جمعی در امور جنسی هنوز تحقیق جامعی صورت نگرفته است؛ زیرا تأثیر آن قابل مشاهده و بالا تر از آن قابل کنترل نیست. ب- خشونت و پرخاشگری: درباره رفتار خشونت‌آمیز ناشی از وسائل ارتباط جمعی پژوهش‌های زیادتری انجام شده است. با توجه به فزونی پرخاشگری در جامعه صنعتی و شهری امروزی، برخی برای توجیه این پدیده، وسائل ارتباط جمعی را مسئول می‌دانند زیرا فیلم، مجله، روزنامه، کتاب، تلویزیون، ویدئو، ماهواره و اینترنت حاوی تصاویر و مطالبی است که در آن اشاره به خشونت، تهاجم و خیانت بسیار دیده می‌شود.

آسیب‌های اجتماعی

۱- انتخاب همسر در فضای مجازی

خانواده در جامعه ایرانی جایگاه اساسی دارد و برای تحکیم آن باید تلاش کرد. یکی از موضوعاتی که کانون خانواده را پیش از تشکیل تهدید می‌کند اشتباه در انتخاب همسر است که این روزها با وارد شدن مراکز اینترنتی همسر یابی اسباب ناامنی در این حوزه فراهم شده است. ازدواج‌های اینترنتی و همسر یابی اینترنتی دو واژه‌ای است که در این عرصه شکل گرفته و این موضوع را به عاملی تهدید آمیز و چالش برانگیز برای جامعه تبدیل کرده که در صورت رشد و فراگیر شدن آن تبعات زیادی

برای خانواده ها در پی خواهد داشت. همسرگزینی اینترنتی در جامعه ایران یک پدیده نوظهور تلقی می شود و این پدیده در جوامع غربی سابقه بیشتری دارد. اینترنتی شدن روابط اجتماعی در جامعه امروز ایران به طرز ناباورانه ای بیان کننده این واقعیت است که گپ و گفت ها و مراودات دوستانه در دنیای مجازی در حال تبدیل شدن به فرهنگی پذیرفته شده است. زنان و دختران بسیاری از طریق سایت های همسریابی فریب خورده اند و با ورود آنها به مراکز خاص زمینه سوء استفاده از آنها فراهم شده است. ماده ۱۷ قانون جرایم رایانه ای انتشار فیلم و عکس و ارائه اطلاعات نادرست در فضای مجازی را جرم می داند چرا که این موضوع بیشتر موجب آسیب دیدن زنان و دختران می شود و حتی فعالیت برخی از سایت های همسریابی موجب اشاعه فحشا شده است.

همسریابی اینترنتی با اینکه ممکن است مراحل نهادینه شدن در کشور را طی کند اما باز هم با توجه به ماهیت پنهان فضای مجازی برای فرار انسانها از واقعیت و استفاده از نقاب در مقابل یکدیگر؛ یک شیوه انحرافی است در حالی که اتکا به این روش متضمن خطراتی است. بسیاری از کارشناسان معتقدند که حذف خانواده از فرایند ازدواج و ورود سایت های اینترنتی در امر ازدواج تبعات زیادی را به همراه داشته است به طوری که ازدواج های اینترنتی این سنت مقدس را به یک معامله ساده تبدیل کرده اند. در حالی که ازدواج از یک قداست و اهمیت ویژه ای برخوردار است. برای ایجاد یک زندگی مشترک، افراد باید با هم صحبت کنند، همدیگر را بشناسند و به تفاهم برسند اما در فضای مجازی چنین فرصت هایی وجود ندارد.

۲- انحرافات و روابط نامشروع در چت روم ها

یکی از مسائلی که در نهی از منکر در جامعه باید به آن توجه کافی شود، منکرات رایج در جامعه است منکراتی که اگر از آنها جلوگیری نشود مانند موریانه روز به روز پایه ها و ستون های اصلی جامعه را نابود می کند و مسلماً راهی که این جامعه در پیش می گیرد به ناکجا آباد ختم می شود.

پدیده ای به نام فساد و فحشاء در مسنجر های مجازی که امروزه شاهد بروز و ظهور آن در جامعه اسلامی هستیم، مسئله ای که به جرات می توان از آن به فاجعه قرن بیست و یکم نام برد.

مردان و زنانی که شب و روز در مسنجرهای مختلف در فضای مجازی از جمله مسنجر یاهو به دنبال گزینه هایی هستند تا شاید به خواسته های شیطانی خود دست پیدا کنند.

۳- ازدواج در چت روم و فیس بوک

چت ها در گذشته دارای آسیب های گوناگونی بودند به جز اتلاف وقت، اعتیاد اینترنتی و کلاهبرداری ها، روابط پنهان را نیز در میان مکالمات خود داشتند اما حال این آسیب ها در برنامه های جدید شکل های متنوع و گسترده تری به خود گرفته اند در برنامه های جدید حریم خصوصی را تنها افراد دیگر نقض نمی کنند بلکه این خود کاربر است که این حریم را نقض می کند افراد با در اختیار قرار دادن عکس های خصوصی و... که گاه هم خلاف عرف و شرع می باشند افراد سو استفاده گر و غرض ورز را وارد زندگی خود می کنند و باز این آغاز چت هایی خاموش و جنسی است. این استفاده نادرست از چت و فرهنگ ضعیف ما در استفاده از اینگونه برنامه ها است که می تواند نه تنها مشکلات اجتماعی و فردی را برآید به وجود آورد بلکه می تواند مشکلات خانوادگی را هم در پی داشته باشد. آشنایی های بی مقدمه و فراهم کردن محیط ایجاد اینگونه روابط بارها مسیر خانواده ها را عوض کرده و بذریع اعتمادی را میان دو زوج پراکنده کرده است.

۴- حریم خانواده آماج چشمان نامحرم

نوجوانان از این نکته غافلند که شخصیت دوستانشان در این فضا کاملاً مجازی است و بسیاری از این افراد شخصیت واقعی خود را بروز نمی دهند و از اعتماد دوستان خود سوء استفاده کرده و حریم شخصی دیگران را زیر پا می گذارند؛ اما این مبحث تنها یک وجه از وجوه چندگانه ای است که باعث انتشار و «ریشیر» (بازنشر) ویدئوها و عکس های خصوصی افراد و خانواده ها می گردد. شکل دیگری که چند وقتی است معمول شده، انتشار فیلم مهمانی ها و مراسمات خصوصی افراد توسط خود آنها آن هم

به صورت آگاهانه است! عمده ترین دلیل برای اقدام افراد به چنین عمل زشت و بدون توجیهی، سرایت تفکرات سکولاریستی و لیبرالیستی توسط شبکه های ماهواره ای است؛ چراکه این شبکه ها با سوء استفاده از کم توجهی و نا آگاهی افراد درباره مباحث دینی، اخلاقی و اجتماعی، انجام ندادن این گونه کارها را ترجمانی از نگاه متحجرانه، دگم، امل مآبانه و حتی تعصبات جاهلی اعلام می کنند.

تجاوزهای جنسی

متأسفانه در تمامی دوران ها وملت ها زنان مورد چنین ظلم بزرگی قرار گرفته اند. شهوت ومیل جنسی، غریزی و طبیعی است، اما تنها وقتی این میل از راه مشروع و اختیار برآورده شود، به یک لذت تبدیل می شود. هنگامی که زن قربانی تجاوز جنسی می شود، آن هم در جامعه ای مثل ایران، روح و روانش کشته می شود، وجودش سراسر از نفرت، خشونت و حقارت پر می شود. یا حقارت زن را به مرده یی متحرک تبدیل می کند یا به سمت خودکشی سوق میدهد، اما نفرت، خشونت و حقارت ممکن است زن را به سمت انتقام گیری از جامعه سوق دهد. لارم است توجه داشته باشیم که تجاوز همیشه به اینگونه نیست که از سوی مردی غریبه باشد، بلکه برخی از تجاوزها امروز از ناحیه ی شوهران است. وقتی مرد بی توجه به تمایل یا عدم تمایل زن، با خشونت و بدون توجه به ارگاسم همسرش با او رابطه برقرار می کند و بارها این عمل را تکرار می کند وزن از روی شرم وحیا قدرت سخن گفتن ندارد، آیا تجاوز صورت نگرفته است؟

روش شناسی تحقیق

در این تحقیق فرض شده است که عوامل زیر در گرایش زنان به ارتکاب جرم و بزهکاری مؤثر است: ازهم گسیختگی خانواده، محرومیت زنان از دسترسی به امکانات آموزشی و شغلی مناسب، داشتن الگوها و مناسبات اجتماعی نادرست و نداشتن برنامه ای مناسب برای گذران اوقات فراغت که گرایش به کسب درآمدهای آسان که غالباً از راه نامشروع است را در پی دارد. روش تحقیق از نوع استنادی، استدلالی و استنباطی است و به طریقه ی توصیفی - همبستگی بررسی می شود. ابتدا مفاهیم مورد نظر از طریق مطالعات کتابخانه ای توصیف و سپس با استناد از پیمایش و تحقیق میدانی به گردآوری اطلاعات پرداخته و در نهایت اقدام به نتیجه گیری می شود.

جامعه و نمونه آماری

با توجه به این که دسترسی به زنان بزهکار در سطح شهر و مصاحبه با آنان میسر نبود، جامعه آماری محدود به زنانی شد که به عنوان مراجعه کننده تحت عنوان متهم یا مجرم به دادسرا ومحاکم کیفری در استان بالاصخ مرکز استان مراجعه یا تحت عنوان زندانی انتظار اجرای حکم بودند و یا دوران محکومیت خود را می گذراندند. همچنین، به علت دسترسی نداشتن به آمار دقیق زندانیان زن و نوع جرایم آن ها، نمونه گیری برنامه ریزی شده امکانپذیر نشد. بنابراین، نمونه گیری به طور تصادفی بین زنان با توجه به نوع اتهامات و جرایم صورت گرفت که در مجموع ۱۷۶ پرسشنامه حضوری تکمیل شد.

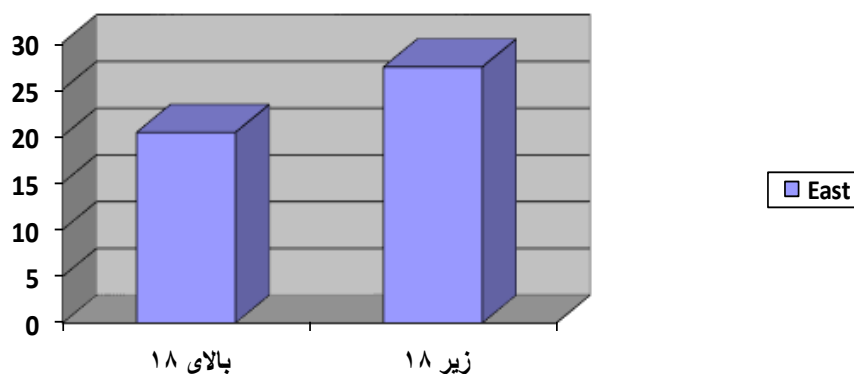
گردآوری اطلاعات و ابزارهای اندازه گیری

جمع آوری اطلاعات به روش کتابخانه ای - میدانی و با ابزار مشاهده، پرسشنامه و مصاحبه و بهره گیری از منابع کتابخانه ای و تحقیقاتی و مقالات و سایت های اینترنتی و مقالات حقوقی - خصوصاً مرتبط با قوه قضائیه - جمع آوری و سپس باتوجه به وضعیت شغلی حقیر با روش میدانی از طریق مشاهده و تکمیل پرسشنامه توسط زنان مراجعه کننده به دادگستری، آمار و اطلاعات لازم جمع آوری و متعاقباً راهکارهای کارآمد و مؤثر ارائه شد. لازم به ذکر است که برای افزایش اطلاعات فردی و حصول اطمینان از اعتبار پژوهش، با شماری از قضات دادگستری جهت تکمیل و تأیید یافته های پژوهش، مصاحبه عمیق (نیمه ساختارمند) به عمل آمد.

ویژگیهای جمعیت شناختی

جدول شماره ۱- خلاصه ویژگیهای جمعیت شناختی متهمین و مجرمین بر حسب سن

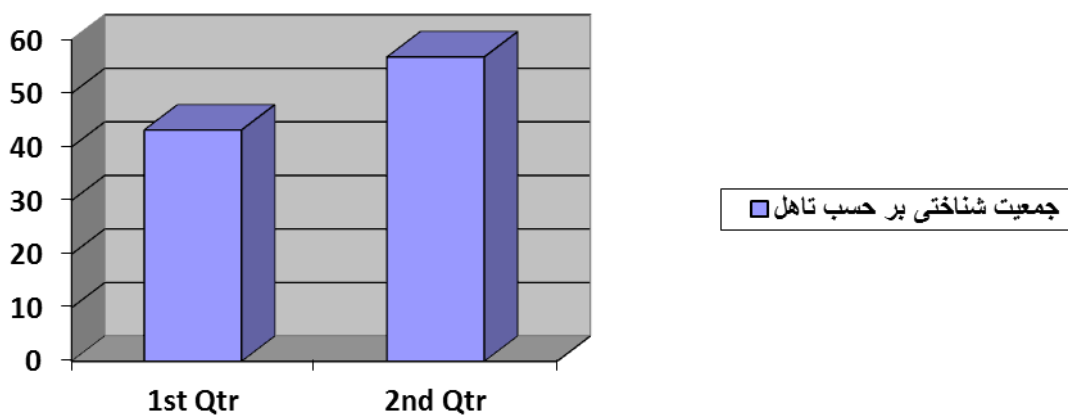
ردیف	متغیر	فراوانی	درصد
۱	بالاتر از ۱۸ سال	۹۲	۵۲,۲۷
۲	زیر ۱۸ سال	۸۴	۴۷,۷۲



نمودار ۱- ویژگیهای جمعیت شناختی متهمین و مجرمین بر حسب سن

جدول شماره ۲- خلاصه ویژگیهای جمعیت شناختی متهمین و مجرمین بر حسب تاهل

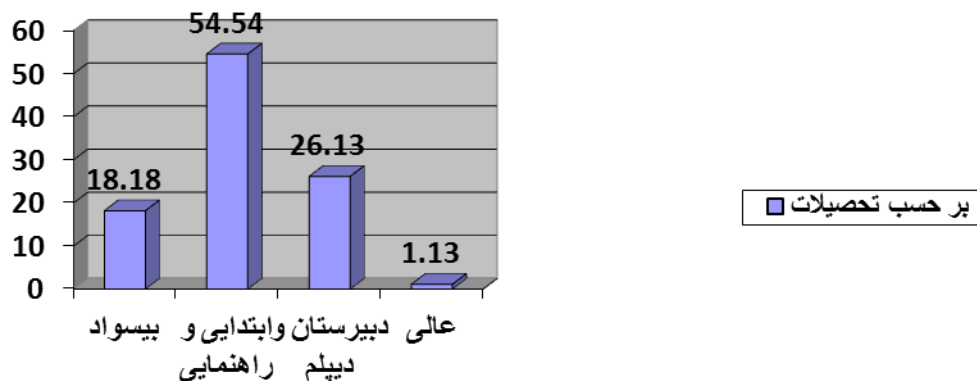
ردیف	متغیر	فراوانی	درصد
۱	متاهل	۷۶	۴۳,۱۸
۲	مجرد	۱۰۰	۵۶,۸۱



نمودار ۲- ویژگیهای جمعیت شناختی متهمین و مجرمین بر حسب تاهل

جدول شماره ۳- خلاصه ویژگیهای جمعیت شناختی متهمین و مجرمین بر حسب تحصیلات

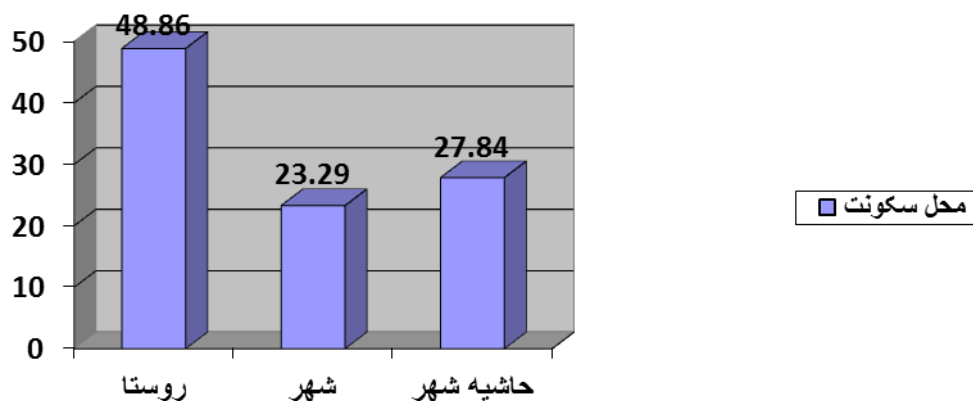
ردیف	متغیر	فراوانی	درصد
۱	بیسواد	۳۲	۱۸,۱۸
۲	ابتدایی و راهنمایی	۹۶	۵۴,۵۴
۳	دبیرستان و دیپلم	۴۶	۲۶,۱۳
۴	عالی	۲	۱,۱۳



نمودار ۳- ویژگیهای جمعیت شناختی متهمین و مجرمین بر حسب تحصیلات

جدول شماره ۴- خلاصه ویژگیهای جمعیت شناختی متهمین و مجرمین بر حسب محل سکونت

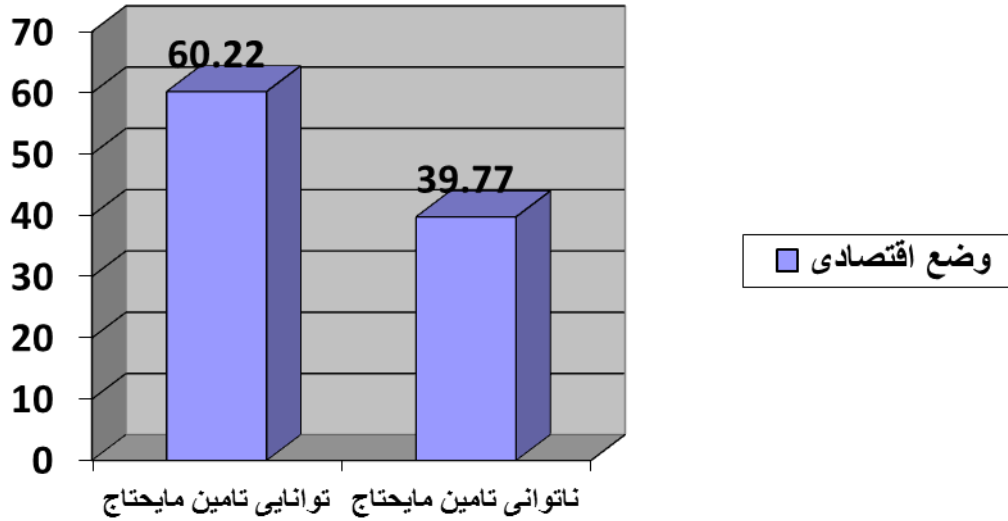
ردیف	متغیر	فراوانی	درصد
۱	روستا	۸۶	۴۸,۸۶
۲	شهر	۴۱	۲۳,۲۹
۳	حاشیه شهر	۴۹	۲۷,۸۴



نمودار ۴- ویژگیهای جمعیت شناختی متهمین و مجرمین بر حسب محل سکونت

جدول شماره ۵- خلاصه ویژگیهای جمعیت شناختی متهمین و مجرمین بر حسب وضع اقتصادی

ردیف	متغیر	فراوانی	درصد
۱	توانایی تامین مایحتاج اولیه زندگی	۱۰۶	۶۰,۲۲
۲	ناتوانایی در تامین مایحتاج اولیه زندگی	۷۰	۳۹,۷۷



نمودار شماره ۵- ویژگیهای جمعیت شناختی متهمین و مجرمین بر حسب وضع اقتصادی

جدول شماره ۶- خلاصه ویژگی وضعیت متهمین و مجرمین بر حسب نوع جرم

ردیف	متغیر	فراوانی	درصد
۱	ارتباط نامشروع	۳۹	۲۲,۱۵۹
۲	رفتار ناهنجار	۹۸	۵۵,۶۸
۳	سرقت	۱۷	۹,۶۵
۴	ضرب و جرح	۱۵	۸,۵۲
۵	خرید و فروش مواد مخدر و الکل	۱۴	۷,۹۵
۶	خانه فساد	۱۲	۶,۸۱
۷	جرم علیه کودک	۷	۳,۹۷
۸	اعمال منافی عفت	۱۳	۷,۳۸
۹	قتل	۴	۲,۲۷
۱۰	کلاهبرداری و جعل سند	۳	۱,۷۰
۱۱	سقط جنین	۵	۲,۸۴

جدول شماره ۷ خلاصه مهم ترین دلایل ارتکاب جرم یا در معرض جرم بودن در جامعه پژوهش - آسیب در ساختار خانواده

ردیف	متغیر	فراوانی	درصد
۱	بعد خانوار بالا	۱۵۶	۸۸,۶۳
۲	اختلاف سنی نامناسب والدین یا همسر با متهم و مجرم	۵۰	۲۸,۴۰
۳	ترک زندگی توسط حداقل یکی از والدین یا همسر	۶۵	۳۶,۹۳
۴	طلاق والدین یا همسر	۱۲۴	۷۰,۴۵
۵	فوت والدین یا همسر	۴۹	۲۷,۸۴
۶	سرپرست خانوار بودن زن	۳۱	۱۷,۶۱
۷	بعد خانوار بالا در خانواده همسری	۱۶	۹,۰۹

جدول شماره ۸ خلاصه مهم ترین دلایل ارتکاب جرم یا در معرض جرم بودن در جامعه پژوهش - ویژگی های اقتصادی

ردیف	متغیر	فراوانی	درصد
۱	وابستگی مالی زن و محروم بودن از تجربه شغلی	۱۷۱	۳۴,۲
۲	منطقه سکونت و وضع بهداشتی و رفاهی نامناسب منزل و محل سکونت	۱۵۰	۲۹,۳۵
۳	عدم پوشش سازمان حمایتی	۱۲۰	۲۳,۴۸
۴	میزان درآمد پایین و بیکاری سرپرست خانوار	۷۰	۱۳,۶۹

نتایج تحقیق

بحث بزهکاری عموماً حول محور تأثیر خانواده گسسته می گردد. اغلب به نظر می رسد که خانواده گسسته که به دلیل فوت یکی یا هر دو والدین، طلاق، یا فرار یکی از زوجین گسسته و فرو پاشیده، عامل اصلی جرم است. گسستگی روابط خانواده منجر به عدم رضایت اعضاء می شود. آقا و بانو گلوک در مطالعات سال ۱۹۵۰ دریافتند که خانواده های گسسته شده عموماً در مورد گروه آزمایش (بزهکاران)، در مقایسه با گروه کنترل تقریباً ۲ برابر هستند. خانواده گسسته شده باعث افزایش امکان بزهکاری در کودکانی می شود که از نظر عاطفی ناپایدار هستند و احساس ناتوانی - ناکامی می کنند. تحقیقات اف - ایوان نای، نیز تأثیر خانواده گسسته را بر بزهکاری فرزندان نشان می دهد (صبوری، ۱۳۷۸ به نقل از گیدنز). نای اختلاف جزیبی ولی مشخصی را در رفتار بزهکاران جوان از خانواده های گسسته (ناسالم) و خانواده های سالم مشاهده کرد که این امر را ناشی از فقدان کنترل بر روی فرزندان خانواده های تک والدینی دانست و به علت وجود ناپدری یا نامادری دچار آشفتگی می شدند. یک کشف چشمگیر این بود که میزان بزهکاری در خانواده های گسسته شده کمتر از خانواده های غیرگسسته، اما غیرخوشبخت بود که موجب شد نای پیشنهاد کند که «عامل خوشبختی» ارتباط خیلی نزدیکتری با بزهکاری دارد در موارد که والدین با هم زندگی می کردند روابطشان تیره بود (۵۵٪ کل موارد)، نای همچنین در رابطه با سنی که در آن در خانواده گسست ایجاد می شود، اطلاعاتی دارد و به نظر وی اهمیتی ندارد که در چه سنینی این اتفاق می افتد. در حالیکه مطالعات دیگر به آسیب پذیری کودکان نزدیک سنین نوجوانی، در هنگام گسسته شدن خانواده اشاره دارد. در دوره قبل از بلوغ نسبت به والدینی که ممکن

است در اثر گسست آسیب ببینند وفاداری و علاقه یا دلبستگی بیشتری وجود دارد. کودک خیلی بیشتر از آن چه که تصور می‌شود از نظر عاطفی درگیر می‌شود. به نظر می‌رسد نتیجه عمومی چنین باشد که والدین ناراضی شانس کودکان را برای بزهکار شدن تا دو برابر افزایش می‌دهند. همچنین عوامل دیگری مثل کیفیت روابط خانوادگی و درجه گرمی و ملاحظت و محبت و عشق و فشار و اضطراب یا تضاد در خانواده مورد بحث قرار گرفته اند

در رابطه با مشکلات رفتاری ساده، در طول چندین دهه نتیجه مطالعات این بوده است که بزهکاری نوجوانان با (خانواده های گسسته شده) ارتباط دارد؛ که البته بیشتر این گسستگی ها در نتیجه طلاق حاصل شده است. همچنین بزهکاری نوجوانان با وضعیت طبقاتی آنها رابطه داشته است به طوری که بالاترین میزان در جهت طبقه پایین تر اجتماع است؛ بنابراین این رابطه به نوبه خود نشان می‌دهد که هم طلاق و هم بزهکاری جوان به احتمال بیشتر تجربه کودکان خانواده هایی است که از وضعیت خانوادگی خوبی برخوردار نبوده اند. مطالعات ثابت کرده اند که حتی در مواردی که وضعیت طبقاتی ثابت باشد میزان بزهکاری در خانواده های گسسته نسبتاً بالاتر از خانواده های سالم می‌باشد و بین کودکان خانواده های از هم گسسته شده در اثر جدایی یا طلاق بالاتر است تا در مورد کودکان خانواده هایی که در نتیجه مرگ یکی از والدین از هم گسیخته شده اند، زیرا شخص داغدار از حمایت اجتماعی برخوردار است و کمتر امکان دارد دوره ای از اختلاف نظرها (مشاجر ها)، کینه توزیها و تعیین هویت یا عدم وفاداری را پشت سر گذاشته باشند. مطالعات همچنین روشن می‌سازند که کودکان بزرگ شده در خانواده هایی که والدین از طلاق گرفتن خودداری نموده ولی به جنگ و دعوا با یکدیگر ادامه می‌دهند نسبت به کودکان خانواده های طلاق گرفته دارای مشکلات عاطفی بیشتری هستند. کیفیت روابط بین والدین دارای بیشترین اثر است بنابراین دشمنی، عصبانیت، سردی و کناره گیری احتمالاً اثرات مخرب بیشتری روی کودکان دارد تا صرف غیبت یکی از والدین.

تضاد بین والدین تأثیرش از طلاق روی بچه ها بیشتر است، جلوگیری از طلاق ممکن است بیش از طلاق در به وجود آوردن جرم جوانان موثر باشد، بعضی مطالعات اشاره می‌کنند به اینکه زندگی فرزندان با مادران بیوه از زندگی فرزندان با مادران طلاق گرفته و یا هرگز ازدواج نکرده بهتر است. تضاد بین والدین بعد از طلاق مستقیماً مشکلات رفتاری افزایش یافته در فرزندان را پیش بینی می‌کند. بچه هایی که در خانواده پر تنش (همراه با تضاد) زندگی می‌کنند، احتمالاً بیشتر، مسائل و مشکلات عاطفی و رفتاری نشان می‌دهند تا بچه هایی که در خانواده های بدون تضاد زندگی می‌کنند. برای برخی یا تعدادی بچه ها، فایده اصلی طلاق والدین توقف یا قطع دشمنی و کینه توزی والدین می‌باشد.

از طرف دیگر این طبیعی است که برخی از والدین بعد از طلاق درگیر در اختلافات می‌شوند. تضاد بین والدین بعد از طلاق بر سازگاری رفتاری فرزندان که متأثر از ارتباط فرزند با هر دو والدین، رابطه والدین- فرزند، فرایندهای عاطفی (احساسی) فرزند است، تأثیر می‌گذارد. به همین اندازه نیز محتمل است که در طلاق هایی که زن و شوهر نسبت به هم دشمنی نشان می‌دهند، درصد آن هستند که کودکانشان را در مشاجرات خود درگیر کنند به کودکان شان می‌گویند که طرف دیگر تا چه اندازه بد است بیشتر احتمال دارد اثر بدی روی رشد شخصیتی فرزندان داشته باشد. در حقیقت توجه به تأثیر منفی تضاد بین والدین بعد از طلاق بر سازگاری فرزند یک موضوع عمده برای بحث سرپرستی ایجاد می‌کند (تمدن، ۱۳۹۰).

زنانی که مورد احترام و محبت والدین و همسر خود نیستند، چاره ای جز برقراری ارتباط با جنس مخالف نمی‌بینند و در پی آن به دست خود به بحرانی دامن می‌زنند که شرایط خانوادگی و شاید دست تقدیر برایشان رقم زده است. اعتیاد و به دنبال آن سردمزاجی همسر به همراه بیکاری و ترک منزل از مسایلی است که در برخی از مناطق به وفور دیده می‌شود. ممنوعیت برقراری رابطه دوستی در گرو ههای همسالان و رفت و آمدهای معمولی در خارج از خانه و اقوام، کنترل تماس های تلفنی و ترس شدید دختران از آگاهی پدر و مادر از دوستی های آنها با جنس مخالف، نبود زبانی مشترک بین والدین و دختر برای گفتگو در باب چنین مسائلی، ناگشوده ماندن گره ارتباط و اعتماد و اتکای صحیح بین اعضای خانواده در صورت بروز مشکل، از مسایل خانوادگی مشاهده شده است.

شوهران معتاد یکی از مهم ترین عوامل اعتیاد زنان به حساب می‌آیند. آنها برای آنکه در موقع استعمال مواد مخدر مصاحبی داشته باشند، از سرزنش و انتقاد همسر خود بکاهند و در موقع تنگدستی و عدم تمکن مالی برای تهیه مواد مخدر، او را به

کارهای ناپسند و نامشروعی نظیر گدایی، فروش مواد مخدر و خود فروشی بکشانند، زن خود را معتاد و حتی از فرزندان خویش سوء استفاده می کنند و آنها را به توزیع مواد مخدر وادار می سازند. گاه برخی از مردان معتاد، دختران کم سن و سال خود را به ازدواج با افراد مسن و ثروتمند مجبور می کنند یا به کارهای سخت وا می دارند.

پیشنهادات و راهکارها

قدر مسلم این است که یک برنامه منفرد برای تمامی مجرمین قابل توصیه نیست. بلکه برنامه‌ها باید با هدف درمان، اصلاح و پیشگیری برحسب موضوع، تفکیک و طبقه‌بندی شوند. برنامه‌های مربوطه به مجرمین بالفعل بیشتر به تفکیک زندانیان برحسب گروه‌های سنی، سوابق کیفری، انواع جرائم، ملاقات‌های خصوصی و حضوری برای مجرمین و فعالیت‌های داخل زندان می‌پردازد.

این برنامه‌ها می‌تواند با ایجاد مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، رسیدگی به امور بهداشت جسمی و روانی، برگزاری مراسم دینی و مذهبی شروع و تا تبدیل محیط زندان به محیطی کاملاً آموزشی ادامه یابد. اقدامات پیشگیرانه جهت اصلاح مجرمین بالقوه صورت می‌گیرد و مستلزم شناخت و توجه بیشتر به پیش‌بینی جرائمی است که در آینده اتفاق خواهد افتاد و به اتخاذ تدابیری جهت حذف و کنترل عوامل آن توجه دارد.

هزاران سال تجربه از زندگی روزمره، مدرسه، جمعیت‌ها و... به ما می‌آموزد. که برای کاهش ضرر و مخاطرات و انفجار شهوات، ارجح آن است که از پهلوی به آن نزدیک شد و به منبع آنها رسید تا این که در از روبه‌رو به آنها حمله‌ور شد. پس دفاع باید غیرمستقیم باشد.

ارضای جامعه پسندانه آن دسته از نیازهای جوانان و نوجوانان که به گرایش آنها به ارتکاب جرم منجر می‌شود. از نکات مهم قابل توجه در طراحی شیوه‌های پیشگیرانه و راهکارهای مقابله‌ای است.

جرائمی چون اعتیاد در دهه‌های آینده با تصویری از فردی مفلوک که اسیر موادی چون هروئین است تعریف نخواهد شد. بلکه ظاهر فریبنده آن فریبنده‌تر از سطح انتظار کنونی ما است. ارتکاب برخی جرائم به عنوان شرطی برای پذیرش در گروه‌های همسالان الزامی شده و یکی از مراحل اجتماعی شدن نوجوانان را تشکیل خواهد داد.

توالی تدریجی و ارتجالی گرایش به ارتکاب در مسیر رشد اجتماعی و عاطفی نوجوانان هشدار دهنده است برای متولیان تربیتی و فرهنگی برای ارضای نیازهای مشروع اینان به شکلی جامعه‌پسندانه در قالب غنی‌سازی اوقات فراغت و فعالیت‌های علمی، ورزشی و هنری در سطحی کلان.

طرد جوان مجرم، بخش وسیعی از جامعه را به واکنش وادار می‌کند و آنها را به سمت دوری از الگوهای رایج در جامعه و گرایش به گروه‌هایی که گرایش‌های عاطفی و شناختی جوانان را مورد تأیید قرار می‌دهند، سوق می‌دهد.

همانگونه که در طول این بررسی تأکید شد مجرمین فقط یکی از موضوعات قابل مقابله و مطالعه هستند و اقدامات پیشگیرانه ضمن توجه به مجرمین باید متمرکز بر خود جرائم نیز باشد. مقابله با مجرم به معنی مقابله با جرم پس از وقوع آن است که نتیجه آن اصابت تیرهای مقابله‌ای به سایه جرم است نه خود جرم.

مجموعه اقدامات مقابله‌ای در قالب فعالیت‌های زیر قابل طبقه‌بندی است:

- ۱ - گسترش تعلیم و تربیت والدین و افزایش اطلاعات آنان به ویژه در باب مسائل آسیب‌شناختی و روان‌شناختی.
- ۲ - گسترش توان نیروی انتظامی در کشف رفتارهای بزهکارانه.
- ۳ - مشارکت بیشتر نوجوانان و جوانان به ویژه در فعالیت‌های ورزش، فرهنگی، هنری و... از سیاست‌گذاری تا برنامه‌ریزی و اجرا.
- ۴ - همکاری بیشتر و نزدیکتر بین خانه و مدرسه و دادگاه‌ها و دیگر کانون‌های اجتماعی.
- ۵ - از بین بردن محله‌های جرم‌خیز و گسترش خدمات بهداشتی و تربیتی و ورزشی و فرهنگی در این محیط‌ها.
- ۶ - افزایش وسایل تفریحی و سرگرمی‌های سازنده متناسب با حس کنجکاوی و هیجان‌طلبی نوجوانان.
- ۷ - افزایش برنامه‌ها و فوق برنامه‌های مفید برای دختران و زنان.

- ۸- گسترش برنامه‌های آموزشی رایگان و اجباری کردن آموزش برای دختران و زنان.
- ۹- گسترش آموزش‌های هنری و حرفه‌ای ویژه دختران و زنان.
- ۱۰- دقت و کنترل بیشتر بر برنامه‌های صدا و سیما و رسانه‌های گروهی.
- ۱۱- صیانت افراد از تجاوز دیگران به شکل گسترده آن.
- ۱۲- جانسپین کردن نظام اصلاحی و تربیتی به جای سیستم اجرا مجازات (به ویژه مجازات حبس).
- ۱۳- عدم توجه به ملاحظات و مصلحت‌اندیشی‌ها برای تخفیف مجازات به منظور پیشگیری از تکرار جرائم.
- ۱۴- تغییر شرایط ازدواج: سن ازدواج (آداب و رسوم)، ازدواج‌های اجباری (پیشکش کردن دختران)، تعدد زوجات (طرز تفکر نسبت به آن با توجه به نیروی کار زنان قدیم و پایین بودن هزینه زندگی و توان رعایت عدالت). هدایت احساس استقلال و آزادی زنان به سمت فعالیت‌های آموزشی و اشتغال مفید و آموزش جوانان در مورد مسائل ازدواج و ...

فهرست منابع

منابع فارسی:

الف) کتب

- ۱- قرآن کریم
- ۲- اعزازی، ش. (۱۳۸۰). خشونت خانوادگی و زنان کتک خورده. تهران: نشر سالی
- ۳- تقوی، ن. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی خانواده. نشر پیام نور
- ۴- ستوده، ه. (۱۳۷۶). آسیب‌شناسی اجتماعی تهران: نشر آوای نور
- ۵- شیخوندی، د. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی. چاپ چهارم. تهران: نشر مرنديز
- ۶- صدیق سروستانی، ر. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: نشر آن
- ۷- صفاری، علی. (۱۳۸۳). درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و انواع آن. انتشارات سمت. ج اول
- ۸- صفایی، ح و امامی، ا. (۱۳۷۵). حقوق خانواده. ج ۱، نشر دانشگاه تهران
- ۹- عین‌آبادی، م. (۱۳۹۱). بررسی علل گرایش زنان به بزهکاری. دانشگاه حوزه علمیه خراسان
- ۱۰- فرجاد، م. (۱۳۷۷). بررسی مسائل اجتماعی ایران. تهران: اساطیر
- ۱۱- کی‌نیا، م. (۱۳۶۹). مبانی جرم‌شناسی. انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۲- مطهری، م. (۱۳۸۷). مجموعه آثار. ج ۱۹. قم: موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان
- ۱۳- مظلوم، م. (۱۳۹۰). بزهکاری در میان دختران و پسران نوجوان. تهران: جنگل
- ۱۳- معین، م. (۱۳۵۷). فرهنگ لغات فارسی. چاپ ۱۰، ج ۱ و ۲. تهران: امیرکبیر

منابع لاتین:

- ۱- گیدنز، ا. جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. (۱۳۷۷). تهران: نی
- ۲- ولد، ج. برنارد، توماس واسنیپس، ج. جرم‌شناسی نظری. ترجمه علی شجاعی (۱۳۸۰). چاپ اول. تهران: انتشارات سمت

منابع انگلیسی:

- 1- Hagan, (1987). Modern Criminology: Crime, Criminal behavior & Its Control, New york: McGraw- Hill, Inc.

نشریات:

۱- مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، اولویت‌ها و رویکردها. (۱۳۸۰) دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم

مقالات:

- ۱- معظمی، ش. (۱۳۸۳) بررسی جرم شناختی جرایم زنان. مجموعه مقالات علوم جنایی، انتشارات سمت، چ اول
- ۲- نجفی ابرندآبادی، ع. تقریرات درس جرم شناسی. سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ دانشگاه امام صادق (ع)

Investigating the Impact of Social Factors on Women's Crime in Kohgiluyeh and Boyer Ahmad Province

Esmat Rastegar¹, Gholamhassan Arovin Asl²

1. *Master of Criminal Law and Criminology*

2. *PhD Student in Private Law, Islamic Azad University, Yasouj Branch*

Abstract

The problem of crime and criminality, which is caused as the result of such social difficulties and hardships as poverty, unemployment, social and economic crises, and changes brought about in the social laws and regularities and family the imbalance occurred in the social order, is not exclusively peculiar to men. Women are not immune to the consequences resulting from such social disorders either and their lives are to be afflicted with such crises and disorderliness due to the roles and responsibilities they hold which are themselves begot by their related class structures. The research method in this study is of descriptive-exploratory type which uses as its research tools the questionnaire and interview with women and girls accused offenders referred to court of criminal and curt of justice in kohgiluyeh&boyerahmad province and is aimed to recognize the social, economic and cultural dimensions which pave the ground for wrongdoing and crime commitment among them. In other words, through providing the suitable grounds, such factors as social, economic, cultural and familial conditions can play an effective role in increasing the women's tendency towards crime commitment and wrongdoing as a reaction against the social conditions.

Keywords: Family, delinquency, Women, Causes of wrongdoing, Violence against women.
